

مباحث گفتمان حقوق بشر در اندیشه فقهای معاصر شیعه



نویسنده: محمد کمالی گو



www.ketab.ir

سرشناسه: کمالی گوکی، محمد، ۱۳۶۸ -  
 عنوان و نام پدیدآور: تحلیل گفتمان حقوق بشر در اندیشه فقهای معاصر شیعه / نویسنده محمد کمالی گوکی.  
 مشخصات نشر: تهران: پژوهاک عدالت، ۱۳۹۶.  
 مشخصات ظاهری: ۲۲۶ ص.  
 شابک: 978-600-97543-4-2: ۱۲۰۰۰۰ ریال  
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
 یادداشت: کتابنامه.  
 موضوع: حقوق بشر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
 موضوع: Human rights -- Religious aspects -- Islam  
 موضوع: حقوق مدنی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
 موضوع: Civil rights -- Religious aspects -- Islam  
 رده بندی کتبی: ۱۲۶ BP۲۳۰/۱/ک۸۵۳  
 رده بندی دیوید: ۲۹۱/۱۳۴  
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۱۲۹۱۱

## تحلیل گفتمان حقوق بشر در اندیشه فقهای معاصر شیعه

نویسنده: محمد کمالی گوکی

ناشر: پژوهاک عدالت

صفحه‌آرا: نوشین رواقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

مقدمه

## فصل اول

تبارشناسی حقوق  
بشر اسلامی

۱۰

۲۵

- ۳۲..... تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام.....  
۳۶..... تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام.....  
۳۸..... سرآغاز گفتمان حقوق بشری در فقه سیاسی شیعه.....  
۴۲..... جمع بندی.....

## فصل دوم

مفهوم مرکزی گفتمان  
حقوق بشر اسلامی از  
منظر علامه جعفری و  
امام خمینی

۴۳

- ۴۴..... مقدمه.....  
۴۶..... کرامت انسانی به مثابه دال مرکزی گفتمان حقوق بشر اسلامی.....  
۴۸..... مفهوم کرامت انسانی.....  
۴۸..... ۱. تعریف لغوی کرامت انسانی.....  
۴۹..... ۲. تعریف اصطلاحی کرامت انسانی.....  
۵۰..... کرامت و واژه‌های مشابه آن.....  
۵۰..... ۱. کرامت و فضیلت.....  
۵۱..... ۲. کرامت و شرافت.....  
۵۲..... ماهیت حق کرامت و تعریف آن.....  
۵۳..... مبانی کرامت انسان در جهان بینی اسلامی.....  
۵۴..... ۱. بهره‌مندی از فطرت الهی.....  
۵۵..... ۲. انسان برگزیده و خلیفه خدا.....  
۵۷..... ۳. بهره‌مندی از عقل و خرد.....  
۵۸..... ۴. اختیار و آزادی اراده.....  
۶۱..... اقسام کرامت انسانی.....  
۶۱..... الف. کرامت ذاتی یا طبیعی.....

۶۳	.....	ب. کرامت ارزشی ، اکتسابی یا انسانی - الهی
۶۷	.....	تقابل یا توافق میان انواع کرامت در فقه شیعه
۶۹	.....	نظریه انسان گرایانه
۷۱	.....	نظریه افزوده
۷۴	.....	نظریه اقتضاء
۸۰	.....	کرامت انسانی در نگاه امام خمینی (ره)
۹۴	.....	کرامت انسانی در نگاه علامه جعفری
۱۰۱	.....	جمع‌بندی

## فصل سوم

صورتبندی گامان  
اسلامی حقوق  
بشر از منظر علامه  
جعفری و امام  
خمینی (ره)

۱۰۴	.....	مقدمه
۱۰۵	.....	پیوند دال‌های شناسایی با مرکزی
۱۰۷	.....	● زنجیره نفی‌ها
۱۰۷	.....	حق حیات
۱۰۸	.....	۱. اعدام قصاصی
۱۰۹	.....	۲. اعدام حدی
۱۰۹	.....	۳. اعدام تعزیری
۱۱۲	.....	دلایل مخالفت با مجازات اعدام از سوی گفتمان عربی - مسئله حق حیات
۱۱۲	.....	۱. مقابرت با احساس بشردوستی
۱۱۳	.....	۲. غیر باردارنده و غیر ارعابی بودن
۱۱۴	.....	۳. ایجاد حس انتقام و ترویج آن در جامعه و فرد
۱۱۴	.....	۴. خطاپذیری محاکمات جنایی
۱۱۹	.....	آزادی
۱۲۱	.....	فاعل آزادی
۱۲۳	.....	مانع (رادع) آزادی
۱۲۵	.....	هدف (غایت) آزادی
۱۲۸	.....	عدالت و برابری
۱۳۷	.....	● زنجیره اثبات‌ها

۱۳۸	.....	حق حیات
۱۳۸	.....	امام خمینی و حق حیات
۱۴۶	.....	علامه جعفری و حق حیات
۱۵۳	.....	آزادی
۱۵۴	.....	آزادی از منظر امام خمینی (ره)
۱۶۱	.....	مسئله بهائیت
۱۶۵	.....	مسئله ارتداد
۱۷۱	.....	آزادی از منظر علامه جعفری
۱۸۴	.....	عدالت و برابری
۱۸۷	.....	مساوات و برابری حقوق زن و مرد در گفتمان اسلامی
۱۸۷	.....	۱. مساوات در برابر خدا
۱۸۷	.....	۲. تساوی در برابر خدا
۱۸۸	.....	۳. تساوی در برخورد با کرامت انسانی
۱۸۹	.....	۴. تساوی در دادگاه عدل الهی
۱۸۹	.....	۵. تساوی مبدأ در خلقت
۱۹۰	.....	۶. تساوی در ماده اصلی خلقت
۱۹۲	.....	عدالت میان حقوق زن و مرد در گفتمان اسلام
۲۰۱	.....	جمع بندی
۲۰۳	.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۱۷	.....	منابع و مأخذ
۲۱۷	.....	کتاب
۲۲۲	.....	مقالات و سایت ها
۲۲۵	.....	منابع لاتین

## پیشگفتار

وقتی به مفهوم «حُرّیة» (سر) می‌اندیشیم، واژه‌هایی چون دوستی، انسانیت، آزادی، برابری، کرامت انسانی و... در ذهنمان متواتر می‌شود. بدون شک رسیدن به این خیرهای مشترک آرزوی هر انسانی است و اساساً سعادت بشر بر تحقق موارد بالاست؛ اما وقتی به تاریخ بشر از روزهای آغازین بسجایم واقع بینانه می‌نگریم، می‌بینیم این خیرها صرفاً یک آرزوی درخت‌فشان و شاید بهتر بگوییم یک مستمسکی به دست قدرتمندان برای استفاده از آنها برای رسیدن به قدرت بودند. اگر واقعاً این‌گونه باشد پس بشر آرزویی بیهوده دارد؛ اما این‌گونه نیست. شاید علت محقق نشدن آنها برای بشری که آرزوی رسیدن به آنها را همیشه در ذهن داشته است. جنگ اندیشه‌ای بر سر این خیرهای مشترک است. پس برای اینکه بفهمیم حقوق بشر چیست؟ ابتدا باید این سؤالات را مطرح کرد که کرامت انسان چیست؟ ملاک برابری چیست؟ آزادی انسان تا چه حدی است؟ حق حیات انسان تا چه زمانی محترم است؟ وقتی به

دنبال پاسخ دقیق این سؤالات می‌رویم درمی‌یابیم که هر مسلک و اندیشه‌ای پاسخ مخصوص به خود می‌دهد. پاسخ هر یک از این مکاتب به تناسب مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن‌ها متفاوت است. این پژوهش درصدد آن است که دیدگاه اسلام به‌طور کلی و علامه جعفری و امام خمینی به‌طور خاص را در مورد این سؤالات حقّ بشری بررسی کند. در این راستا از روش تحلیل گفتمان استفاده می‌شود. لذا سعی دارد با ارجاع دال‌های شناوری چون حق حیات، آزادی، عدالت و برابری به دال مرکزی کرامت انسانی گفتمان حقوق بشر اسلامی را به‌عنوان یک پادگفتمان در مقابل گفتمان غربی صورت‌بندی نماید؛ تا موضع اسلام و غرب نسبت به این مسئله چالشی مشخص شود. به سؤالات مطرح در این زمینه پاسخ دهد.

WWW.KETABOON.COM

## مقدمه

حقوق بشر از مباحث پرآلش سده حاضر می‌باشد که بخش عمده‌ای از تحقیقات علمی را در این زمینه تشکیل می‌دهد. این مباحث که حکومت دمکراتیک را به خود اختصاص داده است. این مباحث که از لحاظ نظری ابتدا در غرب مطرح شد، واکنش‌های مختلفی را از سوی کشورهای اسلامی به همراه داشت. در ایران نیز بعد از انقلاب مشروطه به این مباحث پرداخته شد. در این کتاب سعی می‌کنیم اندیشه سیاسی شیعه را می‌توان حداقل به چهار زیرشاخه تقسیم نمود: حکمت سیاسی، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی. از آن رو که در ایران فقهای شیعه همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند. لذا ضروری است در این مسئله هم به نظر آن‌ها رجوع شود. از میان فقهای معاصر شیعه ما نظرات علامه جعفری و امام خمینی که یکی در حوزه نظری و دیگری در حوزه‌ی عملی به این مسئله پاسخ داده‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نکته‌ای که در این تحقیق



مشهود است این می‌باشد که نگاه ما به فقه، فقه اکبر است نه فقه اصغر، به این معنی که در فقه اصغر توجه به مباحث فقط با رویکرد صرف فقهی است اما در فقه اکبر ممکن است برای استدلالات فقهی از رویکردهای فلسفی و کلامی هم استفاده شود؛ بنابراین در فقیهان مذکور گاهی اوقات در استدلالات فقهی خود از پیش‌فرض‌های فلسفی و کلامی نیز استفاده شده است.<sup>۱</sup> «تحلیل گفتمانی حقوق بشر در اندیشه فقهای معاصر شیعه»، ابعاد و جنبه‌های مختلفی به خود می‌گیرد. این موضوع در وهله اول دارای سه بخش است. نخست تحلیل گفتمانی دوم حقوق بشر و سوم فقهای معاصر و هر مفهوم جنبه‌های متعددی دارد. «تحلیل گفتمان» که یکی از نحله‌های روش پژوهش است که خود جنبه‌های مختلفی می‌گیرد. این شیوه را ابتدا فوکو به کار برد و بعد فرکلاف و لاکلاو و موفه آن را گسترش دادند. این سه دسته در چارچوب تحلیل گفتمانی قرار می‌گیرند اما تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که از این میان نظریه گفتمانی لاکلاو موفه برای تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی مناسب‌تر است. در زمینه‌ی بحث «حقوق بشر» در یک نگاه می‌توان آن را هم از منظر حقوقی - مواد اعلامیه اسلامی حقوق بشر - بررسی کرد و هم از منظر اندیشه‌ای که به بنیان‌های اندیشه‌ای این مسئله را در اسلام - چه فقه سنی چه فقه شیعه - بررسی کرد. همچنین در زمینه «فقه معاصر شیعه» می‌توان آن را در چهارچوب هر یک از گفتمان‌های نوگرایی، سنت‌گرایی و تجددگرایی در فقه شیعه بررسی کرد؛ اما این پژوهش به‌طور مشخص بر اساس تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه

۱. به اعتقاد برخی‌ها امام خمینی یک فقیه است نه فیلسوف سیاسی، نه دانشمند علوم سیاسی و نه سیاستمدار به مفهوم متعارف و نوین آن، به همین دلیل نظر و عمل امام در باب حقوق بشر به هم پیوند خورده است. ایشان در واقع با حرکت سیاسی خود فقه را وارد عرصه سیاست کردند. (رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۶)

حقوق بشر اسلامی را از نظر فقهای نوگرای شیعه بررسی می‌کند. برای توضیحی بیشتر، این پژوهش درصدد آن است که مفهوم و جایگاه حقوق بشر را در فقه سیاسی شیعه در چارچوب رهیافت گفتمانی بررسی کند به‌ویژه در نزد فقهای معاصر شیعه، چراکه در جهان اسلام (به‌ویژه ایران) تا یک‌صد سال اخیر حکومت‌های استبدادی مطلقه حاکم بودند و صحبت از حقوق شهروندی و حقوق انسانی بسیار محدود بود. بعد از انقلاب مشروطه برخی فقهای شیعه با برنمی‌تابیدند با مباحث جدید به فکر بررسی جایگاه مباحث حقوق بشری در جوامع اسلامی و به‌خصوص پاسخ به این سؤال که آیا اسلام با حقوق بشر سازگاری دارد؟ افتادند و مفاهیم بنیادینی چون آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت، نزد فقها برجسته گردید. در فقه سیاسی شیعه توجه به حقیقت سیاسی در میان فقهای قبل از مشروطه نیز مطرح بوده است اما در راستای تحدید زمانی تحقیق، این موضوع را در میان فقهای بعد از مشروطه که موضوع رنگ و بوی جدیدی گرفت بررسی می‌کنیم. به‌طور کلی نظر فقهای شیعه را در مورد مباحث حقوق بشری بعد از انقلاب مشروطه را می‌توان در چهارچوب گفتمان نوگرایی بررسی کرد چراکه فقهای از علامه نائینی و آخوند خراسانی تا علامه جعفری و آیت‌الله جوادی عاملی و مصباح‌زاده و حتی امام خمینی را در برمی‌گیرد. البته در این خصوص نعرات دیگری مانند دیدگاه‌های سنت‌گرایی و تجددگرایی وجود دارد اما در هر دسته یکی دو فقیه وجود دارد و از این میان دیدگاه سنت‌گرایی مثل نظرات شیخ فضل‌الله، همسویی زیادی با دیدگاه نوگرا دارد و فقط با برخی از مفاهیم حقوق بشری و دیدگاه خاصی از آن مخالف است و دیدگاه تجددگرایی مثل نظرات مجتهد شبستری، با بیان کردن نظرات خود از حوزه‌ی فقه شیعه خارج شدند. این تحقیق با بررسی این موضوع

در چهارچوب نظری رهیافت گفتمانی لاکلاو و موفه سعی دارد دال مرکزی و دال‌های شناور گفتمان حقوق بشر اسلامی را از دیدگاه فقهای شیعه بررسی کند و ضمن مطرح کردن نظرات مختلف در این زمینه، یک دید جامعی از موضوع حقوق بشر اسلامی در فقه سیاسی شیعه ارائه کند. از آن‌رو که مقوله حقوق بشر یکی از مسائل پرچالش در درازن کنونی است و اندیشمندان متعددی در مورد حقوق بشر در اسلام حتم‌فرسایی کرده‌اند و برخی از روی عدم آگاهی قواعد اسلامی را ناقص حقوق انسانی می‌دانند این تحقیق سعی دارد گفتمان حاکم را در این زمینه در میان فقهای شیعه مطرح کند. از آن‌رو که کارهای تحقیقاتی محدود، در این زمینه صورت گرفته است و اکثر کارهای انجام‌گرفته با رویکرد صرفاً تاریخی-توصیفی مثل حقوق بشر در صدر اسلام یا در قرآن و یا در پیره امام علی و یا نظرات یکی از فقها می‌باشند. این تحقیق اولاً سعی دارد این‌که در قالب «فقه سیاسی شیعه» - که یکی از حوزه‌های جدید مطالعاتی می‌باشد- موضوع را بررسی می‌کند و ثانیاً آن را در چارچوب رهیافت «گفتمانی» تحلیل می‌کند، کار جدیدی است که یکی از حوزه‌های کار نشده فقه سیاسی را با رویکرد گفتمانی انجام می‌دهد.

اما قبل از ورود به بحث اصلی شایسته است به کارهایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است اشاره‌ای گذرا صورت گیرد. در حوزه مقوله حقوق بشر تحقیقات زیادی هم به زبان فارسی و هم غیرفارسی وجود دارد؛ اما وقتی که این موضوع به حقوق بشر اسلامی محدود می‌شود تحقیقات به زبان فارسی و عربی بسیار است و تحقیقات انگلیسی‌زبان محدود می‌شود. اساساً تحقیقاتی که به حقوق بشر اسلامی مربوط می‌شوند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. -دسته‌ای به مقایسه حقوق بشر اسلامی و غربی پرداخته‌اند؛ مثل

«حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر» از سید حسین صفایی، «بررسی تطبیقی حمایت از حقوق بشر در اسلام و حقوق بین الملل معاصر» از سید ابراهیم حسینی. «مقایسه اعلامیه حقوق شهروندی فرانسه سال ۱۷۸۹ با مبانی اسلام» از حسین ناصری و...

دسته‌ای دیگر که حجم زیادی از کتاب‌ها و مقاله را در برمی‌گیرد حقوق بشر را در اسلام و اکاوی می‌کنند: مثل «مبانی نظری حقوق بشر در اسلام» از سید علی میر موسوی. «پیشینه حقوق بشر در اسلام» از محمد مهدی کریمی نیا. «نظریه تساوی انسان‌ها در حقوق بشر اسلامی» دکتر سید محمد حسینی. «حقوق بشر در صحیفه نبوی» از زین العابدین باقر، مترجم: محمد باغستانی. «اسلام و حقوق بشر» زین العابدین باقر و...

دسته سوم که به موضوع تحقیق ما بیشتر نزدیک‌اند حقوق بشر را در فقه اسلامی و یا نظر برخی فقه‌پژوهان برمی‌گرداند: مثل «مبانی حقوق بشر در اسلام از منظر آیت الله مصباح یزدی» در این مقاله آقای محمدرضا باقر زاده بارویکر، «تفسیر مبانی حقوق بشر را از دیدگاه آیت‌الله مصباح بیان می‌دارد. موضوع می‌دهد که به نظر آیت‌الله مصباح باید در حقوق بشر به خدام‌پروری و حاکمیت اراده تشریعی خداوند، عبودیت و بندگی انسان و مسئولیت و تکلیف‌پذیری او توجه شود. «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی» در این تحقیق سید محمد قاری سید فاطمی اگرچه مطالعاتی در فقه شیعه دارد اما فقط در حوزه حقوق پناهندگی است و بیشتر به نظر فقهای متقدم مثل شیخ طوسی و علامه حلی توجه دارد. در این زمینه همچنین پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است. مثل «مبانی نظری حقوق بشر اسلامی و غربی از دیدگاه آیت

۱... جوادی آملی و علامه جعفری» که مرضیه سادات موسوی در دانشگاه باقرالعلوم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی ارائه کرده است. خانم موسوی در این رساله سعی کرده است کاستی‌های نظری اعلامیه حقوق بشر غربی را از دیدگاه این دو فقیه شرح دهد نتیجه‌ای که او می‌گیرد این است که توجه نکردن به فطرت بشر، غفلت از رابطه انسان و جهان آفرینش و غفلت از رابطه انسان با خداوند از کاستی‌های مهم موجود در مبانی نظری اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در رساله‌ای دیگر با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر فقه اسلامی» آقای سید مرتضی اخلاقی از دانشگاه فردوسی مشهد سعی دارد به اتهاماتی که غربی‌ها به حقوق بشر در اسلام می‌زنند پاسخ دهد. نهج البلاغه، تحریر الوسیله امام و کتاب‌های تفسیری قرآن پاسخی دهد. در رساله‌ای دیگر با عنوان «مسائل حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در آثار فارسی حضرت امام خمینی (س)» آقای محمدرضا کاوسی از دانشگاه تهران سعی دارد با مطالعه آثار امام مشخص کند به ادعای غربی‌ها و نیز غرب‌زدگان در ناقص بودن نظام اسلامی حقوق بشر کاملاً بی‌اساس است و با استفاده از منابع غنی فقه اسلامی می‌تواند یک نظام برجسته و کامل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به وجود آورد. بدون آنکه نیازی به منابع حقوقی غرب داشته باشیم. همچنین در کتاب «موقعیة حقوق انسان فی الفقه الاسلامی» از شیخ حسن الصفار عالم شیعه عربستان به مواردی از آیات قرآن و احادیث پیامبر در زمینه حقوق بشر اشاره می‌شود در این کتاب حسن الصفار اشاره می‌کند که متأسفانه این حقوق امروزه اجرا نمی‌شود و فقه سیاسی اسلامی به این موضوع خیلی کم پرداخته که ضروری است فقها به تشریح بیشتر آن بپردازند. به‌طورکلی تحقیقاتی که تا به حال

صورت گرفته رویکردهای فقهای شیعه را به صورت جامع و آن هم در چارچوب رهیافت گفتمانی بررسی نکرده اند و چنانچه که شرح داده شد اگر تحقیقی در حوزه فقه سیاسی شیعه هم صورت گرفته به توصیف صرف اندیشه یکی از فقها پرداخته اند. با توجه به این ادبیات موجود ما در این پژوهش سعی داریم به این سؤال بپردازیم ده «حقوق بشر اسلامی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه چگونه صورت می‌گیرد؟»

این پژوهش همچنین شامل سه مفهوم اساسی یعنی گفتمان، حقوق بشر، و فقه سیاسی و فقیه می‌باشد که به طور خلاصه آن‌ها را تعریف می‌کنیم.

**گفتمان:** رهیافت گفتمانی که در چارچوب زبان‌شناسی شکل گرفت حاصل تلاش‌های فکری اندیشمندان چون فوکو، لاکلاو، موفه و فرکلاف است. گفتمان یک رهیافت مطالعاتی در حوزه‌های گوناگون از جمله سیاست است. از گفتمان تعبیرهای متعددی صورت گرفته است. یکی نظریه فوکویی گفتمان است که بیشتر به رابطه قدرت و دانش می‌پردازد. دیگری نظریه انتقادی گفتمان است که توسط فرکلاف مطرح می‌شود و سوم نظریه گفتمان لاکلاو و موفه است که به اعتقاد هوارث و اسمیت شباهت‌های مهمی بین دیدگاه‌های لاکلاو و موفه و مفهوم نشانه و نظام زبانی سوسور وجود دارد. در واقع، گفتمان از نظر لاکلاو و موفه یک نظام نشانه‌شناختی است که شباهت بسیاری به نظام نشانه‌شناختی زبان از نظر سوسور دارد. از نظر سوسور، هر نظام زبانی مانند زبان فارسی متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که کل واژگان آن زبان را شکل می‌دهند. هر گفتمان نیز نظام نشانه‌شناختی‌ای متشکل از چند نشانه است. مثلاً، گفتمان فقهای شیعه در مورد حقوق بشر اسلامی دارای نشانه‌هایی مانند

«حق حیات»، «کرامت انسانی»، «حق الهی» می‌باشد؛ به عبارت دیگر نظریه لاکلا و موفه زبان، سیاست و اجتماع را هم‌زمان در خود لحاظ کرده و همه‌ی آن‌ها را در چارچوبی مبتنی بر نشانه‌شناسی جای داده است. لاکلا و موف با ترکیب زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و فلسفه سیاسی به نظریه‌ای بسیار کارآمد دست یافته‌اند که می‌تواند تحولات کلان سیاسی-اجتماعی را به صورتی جامع و جذاب تبیین نماید. آن‌رو که این نظریه چهارچوب تحلیلی تحقیق را شامل می‌شود. در بای دیگر شرح دقیق‌تری به همراه چگونگی عملیاتی کردن آن در چهارچوب حقوق بشر اسلامی را می‌دهیم.

**حقوق بشر:** مفهوم حقوق بشر اگرچه از سوی همه‌ی جوامع به نحوی پذیرفته شده و مورد تأیید قرار گرفته است ولی در مورد ماهیت و گستره‌ی آن، اجمال جهانی وجود ندارد. مفهوم حقوق بشر از مفاهیم سهل و ممتنع است؛ زیرا است *فیرا افراد فی الجملة* معنای این مفهوم را می‌فهمند و می‌دانند. تصور عمومی در جوامع غربی آن است که این حقوق به مردم احاطه و تضمین‌های لازم هم نسبت به اعمال آن وجود دارد و هیچ دشوار است زیرا نمی‌توان از آن تعریفی جامع و کاملی ارائه داد. به نحوی که مورد پذیرش همه‌ی جوامع باشد. لازم است ارزیابی مختصری از دو واژه «بشر» و «حق» برای تأمل بیشتر در مورد حقوق بشر صورت گیرد. در مورد واژه حق، تعریف پذیرفته‌شده‌ی جهانی وجود ندارد. مفهوم این واژه از مکانی به مکانی و از زمانی به زمانی دیگر متفاوت می‌شود. ممکن است در سرزمینی قواعد و ضوابط اصولی خاصی، حق تلقی شود در حالی که در سرزمین دیگر چنین تلقی از آن اصول و ضوابط وجود نداشته باشد و آن را حق نپندارند. مثلاً ممکن است در کشورهای غربی همجنس‌بازی را یک حق بدانند اما

در کشورهای اسلامی این را نه تنها حق بلکه عملی زشت و دارای مجازات بدانند. بنابراین در تعریف واژه‌ی حق هیچ اجماع در مقام تبیین مفهوم حق، جهانی وجود ندارد. پروفیسور هوئی فیلد، حق را به بوقلمونی تشبیه کرده که می‌تواند در محیط‌های مختلف خود را به رنگ آن محیط‌ها درآورد. به نظر وی حق معانی زیر را در بردارد:

۱. هر معنای دقیق، چیزی است که فرد با داشتن تکلیفی در قبال دیگران مستحق آن است؛

۲. شخص به منظر، بصونیت از قانون مستحق آن است؛

۳. امتیاز؛

۴. قدرت به منظور ایجاد رابطه حقوقی. (Hohefield, ۲۰۰۸ p۱).

راجع به مفهوم بشر نسبت به یکسانی وجود ندارد. این واژه در اصطلاح «حقوق بشر» به مردم و یا خاق، (People) ترجمه شده است. این مسئله به‌ویژه در عبارات قانون اساسی و امور سیاسی چنین پدیدار می‌شود. نگاه غربی به بشر، نگاه اسلامی تفاوت بسیاری دارد. غرب با نگاه اومانستی همه چیز را برای بشر و به واسطه بشر معنا می‌کند اما نگاه اسلامی بشر را خلیفه که برای حقوق و تکالیفی در این دنیا می‌باشد.

در تعریف حقوق بشر نیز نظریات متعدد است. عمده‌ترین این نظریات متعلق به دو مکتب حقوق طبیعی و اثبات‌گرایی است. مکتب حقوق طبیعی در این باره می‌گوید: انسان‌ها از آغاز پیدایش، حقوقی دارند که لایتغیر بوده و در ذات هر فرد انسانی و به مثابه بنیاد طبیعت وی مستتر است و همراه او زاده می‌شود. بنابراین، هر انسانی از منظر حقوق طبیعی، از حقوق مساوی با دیگران برخوردار است؛ اما مکتب اثبات‌گرایی می‌گوید: از آغاز زندگی بشری اصلاً حقوقی وجود نداشته



است، بعد از تکامل فکری بشر و تشکیل اجتماعات انسانی، اراده‌ی دولت‌ها این حقوق را برای انسان‌ها به رسمیت شناخته است. دیدگاه سومی در این خصوص وجود دارد که متعلق به ادیان الهی است و کمتر به آن پرداخته شده است. بر اساس این دیدگاه حقوق بشر، حقوق لازمی است که خداوند بر پایه‌ی کرامت، منزلت و شایستگی انسان، او اعطاء کرده است (سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۷۷) با توجه به مطالب پیش گفته، تعریف زیر را از میان تعاریف ارائه شده از حقوق بشر، می‌توان انتخاب کرد:

حقوق بشر عبارت است از حقوق‌های جهان‌شمول، ذاتی و غیرقابل سلب که انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت برابر از آن‌ها بهره‌مند هستند. در این تعریف، از جهان‌شمولی، فرا فرهنگی و مراد از ذاتی، عجین بودن با شایسته کرامت انسانی است و غیرقابل سلب بودن بدین معنی است که این حقوق ریشه در قانونگذاری یا اراده حکومت‌ها ندارد. البته روشن است که غیرقابل سلب بودن به این معنی نیست که تحت هیچ شرایطی نتوان از حقوقی افراد به دلایل موجهی پاره‌ای از حقوق را سلب و یا اعمال آن را محدود کرد. حقوق بشر، از آنجائی که فقط بر مبنای انسان بودن قرار دارد جهانی، برابر و سلب نشدنی است. این حقوق به‌طور جهانگیر به نوع بشر تعلق دارد. يك موجود یا انسان است یا نیست و از این رو همین بشر را به‌طور مساوی داراست و یا از آن‌ها محروم است و همان‌طور که يك فرد نمی‌تواند از انسان بودن خود بازایستد، صرف‌نظر از آنکه چقدر با او به‌طور غیرانسانی رفتار شود؛ به همان شکل این حقوق از دست دادنی نیست. يك فرد حق داشتن حقوق انسانی را داشته و توسط آن‌ها قدرت می‌یابد. این تفکر ساده، عواقب سیاسی و اجتماعی مهمی را با خود به همراه دارد. این نظریه، چارچوبی

را جهت سازمان سیاسی و استاندارد حقانیت سیاسی ارائه می‌دهد. جایی که این حقوق به‌طور سیستماتیک نقض می‌شود. خواسته‌ها و مطالبات حقوق بشر به‌طور قاطعانه و بنیادین بروز می‌کند. حتی در جوامعی که حقوق بشر عموماً ارج گذاشته می‌شود، افراد جهت رسیدن به استانداردهای خود، دولت‌ها را پیوسته تحت فشار قرار می‌دهند.

فقه سیاسی و فقیه: فقه در لغت به معنای «فهم و آگاهی» است و در اصطلاح «علم به احکام شرعی» یا به عبارت دیگر «استنباط احکام شرعی بر نصوص دینی» (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۲۶) است. در مورد فقه سیاسی هم دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه که فقه سیاسی را شامل می‌شود از فقه عمومی می‌داند که رابطه‌اش با فقه این‌همانی است. دیدگاه دیگر که فقه سیاسی را به‌عنوان یک دانش سیاسی می‌داند که هم با فقه و هم سیاست در ارتباط است بر اساس این دیدگاه فقه سیاسی یک دانش سیاسی ایست که به تنظیم مناسبات سیاسی افراد با دولت و حکومت در تمامی زمینه‌ها می‌پردازد (میر احمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). همچنین کسانی که به کشف احکام شرعی از درون نصوص سیاسی می‌پردازند فقیه می‌گویند.

همان‌طوری که گفته شد این پژوهش بر اساس تحلیل گفتمان به تحلیل مسئله می‌پردازد. تحلیل گفتمان را هم به‌مثابه نظریه و هم روش در نظر می‌گیرند. از آن‌رو که در سال‌های اخیر در مورد این شیوه تحقیقاتی به‌خصوص تحلیل گفتمان لاکلا و موفه کارهای بسیاری صورت گرفته است، ما قصد نداریم به صورت مبسوط به شرح و بسط

---

۱. در این زمینه هم مقالات متعدد و هم کتاب‌های مختلف و هم رساله‌های گوناگون این نظریه را شرح داده‌اند؛ که از آن جمله مقاله «نظریه گفتمان» دیوید هورات، مقاله، «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش»

این نظریه بپردازیم؛ اما برای آشنایی اولیه خوانندگان این تحقیق و همچنین شرح چگونگی عملیاتی کردن آن در موضوع مورد بحث بر خود لازم می‌دانم مباحث کلیدی این روش را خلاصه‌وار بیان کنم. نکته‌ای که در ابتدای بحث باید متذکر شوم این است که ما از تحلیل گفتمان فقط از مبانی روش‌شناختی آن بهره می‌بریم و به «متن‌شناسی و معرفت‌شناسی آن کاری نداریم. بسیاری از تحقیقاتی که در این چهارچوب صورت گرفته‌اند از این مشکل رنج می‌برند که در ابتدای بحث اصول کلی نظریه را معرفی می‌کنند اما هنگام تحلیل و شروع هیچ تأثیری از آن‌ها نمی‌گیرند و آنچه در این تحقیقات مفید است روش است. در واقع روش پلی است که نظریه را به «متن‌شناسی» وصل می‌کنند. لذا عملیاتی کردن این شیوه تحلیلی در بحث حقوق بشر بسیار با اهمیت است.

نظریه گفتمان در ابتدا در زبان‌شناسی مطرح شد و به واحدهایی بزرگ‌تر از جمله اطلاق می‌شد. انتقال این مبحث به علوم اجتماعی سبب شکل‌گیری نحله‌های گوناگونی شد. فوکو در بحث «پدیده‌شناسی» خود به آن بعد معرفت‌شناسی داد و در بحث «تاریخ‌شناسی» خود روش قدرت/دانش را مطرح کرد. لاکلا و موف ضد استاده از نظریات زبان‌شناسانه سوسور، پسا ساختارگرایی دریدا و سید استیوارت مارکسیستی، این نظریه را وارد حوزه علوم سیاسی کردند. فردلاف نیز با تحلیل زبان‌شناسانه متون و بررسی رابطه آن با واقعیت،

---

از سید علی‌اصغر سلطانی، کتاب «گفتمان به‌مثابه نظریه و روش» از فلیس و یورگنس و بسیاری از موارد دیگر را می‌توان نام برد.

۱. Paleontology

۲. Genealogy

توانست گرایش بینابینی ایجاد کند. (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴) نظریه لاکلا و موف که این تحقیق بر اساس روش آن‌ها تنظیم شده است دارای کاربرد بیشتری در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است. از نظر لاکلا و موف هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. (همان، ص ۱۰۶) بر این اساس گفتمان را به‌طور کلی این‌گونه می‌توان تعریف کرد. «به مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و فرازبانی که با مفصل‌بندی این نشانه‌ها، یک یا چند تولید یک نظام معنایی می‌کند» (هوراث، ۱۳۷۷، ص ۱۵) از نظر لاکلا و موف هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد و هیچ‌چیز به‌خودی‌خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار دارد کسب می‌کند. آن‌ها رابطه‌ای بودن نظام نشانه شناختی، گفته‌اند را از سوسور وام گرفته اما ثابت بودن رابطه دال و مدلول را در درون نشانه‌ها را طرد می‌کنند به این معنی که در شرایط مختلف دال‌ها، مدلول‌های متفاوتی را می‌گیرند بر همین اساس دال‌هایی چون «آزادی»، «برابری»، «حق حیات» در گفتمان‌های حقوق بشری مدلول‌های متفاوتی می‌گیرند. همچنین در نظریه آن‌ها همه‌ی نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش یکسان برخوردار نیستند. مهم‌ترین این نشانه‌ها دال مرکزی است. دال مرکزی نشانه برتری است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند، این دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آن‌ها را در حوزه معنایی خود نگه می‌دارد. شاید بتوان دال کرامت انسانی را در گفتمان اسلام فقاهتی دال مرکزی محسوب کرد. لاکلا و موف دال‌های دیگری که حول دال مرکزی سامان می‌یابند را وقته می‌نامد. یک وقته تا پیش از مفصل‌بندی شدن در گفتمان، در حوزه گفتمان‌گونی قرار دارد و عنصر نامیده می‌شود. از وقته تحت عنوان

دال‌های شناور هم یاد می‌کنند. دال شناور دالی است که مدلولش شناور است و همواره ممکن است با یک معنی به دال مرکزی جوش بخورد. هژمونی یک گفتمان هنگامی است که یک گفتمان نظام معنایی مطلوب خود را در ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به طور موقت تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند. اکنون تقریباً می‌توان گفت که گفتمان حقوق بشر اسلامی توانسته به هژمونی دست یابد چراکه برای دال‌های خود مدلول‌های مناسب را یافته و آن‌ها را با دال مرکزی مفصل‌بندی کرده است. مفهوم نقطه مقابل هژمونی، ساختارشکنی است و آن در صورتی است که بتواند دال را از مدلول جدا کند که به نظر می‌رسد با توجه به الهی بودن مدلول‌های حقوق بشر اسلامی نتوان آن دال را ساختارشکنی کرد؛ اما این امکان همواره وجود دارد که در درون گفتمان اسلامی تعابیری دیگر از دال‌های شناور صورت گیرد و آن را به نحوی صورت‌بندی کند.

از نکات مهم در تحلیل سیاسی در چهارچوب این نظریه، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم، اجزای غیریت سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه دشمنی هویت‌پیدا می‌کنند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. در اینجا، استناد دو مفهوم زنجیره اثبات (برجسته‌سازی) و زنجیره نفی (به حاشیه راندن) مطرح می‌شود. به این معنی که یک گفتمان با به حاشیه راندن دال‌های شناور و برجسته کردن برخی دیگر برای خود هویت‌یابی می‌کند. در زنجیره نفی در واقع یک گفتمان در مواجهه با مفهوم‌سازی سایر گفتمان‌ها خود را متمایز می‌کند مثلاً در حوزه‌ی حقوق بشر، گفتمان حقوق بشر اسلامی در مورد دال‌های شناور آزادی، برابری، حق حیات و... یک سری تعابیر را از این دال‌ها نمی‌پذیرد که این خود باعث تمایز حقوق بشر اسلامی از غربی می‌شود؛ به این روند

زنجیره نفی‌ها می‌گویند. در مقابل در زنجیره اثبات‌ها و یا فرایند برجسته‌سازی به آن تعبیری گویند که یک گفتمان از دال‌های شناور دارد. مثلاً در حوزه حقوق بشر اسلامی فقهای شیعه تعبیر خاصی از آزادی، برابری، حق حیات دارند که با این تعبیر است که گفتمان حقوق بشر اسلامی صورت‌بندی می‌شود. ما در فصل چهارم تحقیق با بهره‌گیری از این دو فرایند برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی گفتمان فقه شیعه صورت‌بندی می‌کند.

این سعتی از فصل و یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برخوردار است. بدین صورت که در ابتدا به تبارشناسی حقوق بشر اسلامی در یک سیر تاریخی می‌پردازیم بدین صورت که در ابتدا پیشینه حقوق بشر را در سطح جهانی وارسی می‌کنیم و سپس در اسلام آن را در دو مقوله تاریخ تکوین و تدریس از آن می‌کنیم و در نهایت سرآغاز مباحث حقوق بشری در فقه شیعه را بررسی می‌کنیم. در فصل دوم قصد داریم دال مرکزی حقوق بشر اسلامی را در دیدگاه دو فقیه موردنظر واکاوی کنیم در این فصل ضروری است که دایمیت انسانی را به مثابه دال مرکزی واکاوی کنیم و دیدگاه اسلامی را نسبت به دیدگاه غربی متمایز کنیم. در فصل سوم سعی شده است تا دل‌های شناور اصلی یعنی آزادی، برابری و حق حیات را در قالب دو زنجیره نفی، یا فرایند حاشیه‌رانی و زنجیره اثبات و یا فرایند برجسته‌سازی به دال مرکزی حقوق بشر اسلامی مفصل‌بندی شود تا گفتمان حقوق بشر اسلامی ترسیم و فرضیه تحقیق به ثمر بنشیند و در پایان خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق بیان خواهد شد.